

چنانچه جز عبد الله خان بهادر فیروز جنگ دیگری در آن سرزمین این رنگ فیروزی نیافته بدان گونه عمل نکرده \*

بیست و پنجم دی ماه مطابق سوم شهر رجب سال هزار و چهل و دو هجری قدسی وزن شمسی اثنین و اربعین از سنین عمر بی شمار خدیو روزگار بمبارکی و آراستگی تمام زیور انعقاد پذیرفت - و سایر رسوم معهوده این روز از داد و دهش و افزایش مناصب و وظایف ارباب رواتب بظهور آمده خاص و عام بر کام دل و مراد خاطر فیروز گشتند - از جمله سید خان جهان از اصل و اضافه بمنصب پنج هزار سوار سه هزار دو اسبه سه اسبه و جعفر خان بمنصب سه هزار و هشتاد و هشت سوار و خلیل الله خان [بمنصب هزار و] پانصدی پانصد سوار و معصوم کابلی بخطاب اسد خان و عنایت علم و منصب هزار و پانصدی هزار سوار سرافرازی یافته از اصل و اضافه بلندی قدر شان نصاب کمال یافت - عوض خان قاقشال بمنصب هزار و هشتصد سوار از اصل و اضافه بلند پایه گشته نعم البدل و بهین عوض عمر گرانمایه یافت - وقاص حاجی ایلچی بلخ بعنایت خلعت و انعام بیست هزار روپیه مرحمت پذیر شده اعطاء خلعت و پنج هزار روپیه نقد بمومن پسرش ضمیمه این عاطفت عمیمه گردید - عطای این روز برکت افروز سوای منصب هشتاد هزار روپیه بشمار در آمد - و همدین روز باقر خان صوبه دار معزول اودنسه بسعدت ملازمت رسیده پیشکش نمایان از جواهر و مرصع آلات و ظروف زرین و سیمین که قیمت آن دو لک روپیه بود از نظر اشرف گذرانید \*

در همین اوقات در طی وقایع صوبه اله آباد بعرض اشرف رسید که حسب الامر جهان مطاع در بلده بدارس اساس هفتاد و شش بتخانه از اعظم صنمکدهای آن گروه آتشی نهاد بآب رسیده گرد از بنیاد آنها برخاسته خاکشان بباد فنا رفت - و اینمعنی برآن بود که چندی قبل ازین فرمان قضا نشان حسب الفتوی علماء اسلام زیب صدور یافته بود که حکام و متصدیان مهمات شرعی و عرفی در سایر ممالک محروسه حرسها الله تعالی عن حوادث الزمان و طوارق العدثان شرایط نهایت تفحص و تجسس بجا آورده در هر جا که تازه صنم خانه اساس یافته باشد آنرا بخاک رهگذر برابر ساخته از مصالح عمارت آن ضاللت کدها که ماندن آنها سرمایه مفاسد است مساجد و معابد بجهت تشیید مبانی مصلحت دین بنا نهند و اصلاً متعرض بیوت الاصنام که سابق برین عهد بنیاد یافته باشد نگردند \*

**انتظام یافتن گرامی گوهر شاهوار محیط شرافت  
و کرامت اعنی کریمه بادشاهزاده پرویز  
در عقد پیوند و سلک ازدواج درة التاج  
خلافت کبری مرسله المصدر سلطنت  
عظمی و احمد دارا شکوه**

بحکم نتیجه مقدمه سابقه یعنی وجوب بذل مساعی جمیله عموم سلاطین دادگر در تکثیر نسل و تفریع اصل خویش و خصوص سعی مشکور اعیان این دولت کده والا که اخیار اولاد ابوالبشر

اند درباره تزویج اولاد اختیار خود که تا قیام قیامت منتج مقدمات قوام احوال و اوضاع بنی آدم و باعث استقامت قوایم ارکان نظام عالم خواهد بود -

حسب الامر اعلیٰ پیشکاران سامان پرداز کارخانجات این دولت ابد طراز که از کمال فسحت دستگاه حشمت و جاه هیچ چیزش در نمی یابد از آغاز فرخنده روز خواستگاری مذکور باز تا الحال بتهیه در بایست وقت و ناگزیر حال پرداختند - و کارکنان کارخانه کن و عمال بیوتات سرکار ابداع که از مبداء روز نخست تا این غایت در عالم بالا بمقام سرانجام مصالح و مایحتاج این فرخنده ازدواج همایون در آمده بودند بتازگی در صد انتظام و انصرام سر تا سر آن مهام شدند - و چون لوازم این کار خیر بخیریت و خوبی ساخته و پرداخته گشت و فروغ فراغ همگنان بر پیشگاه ضمیر آنها تافت و از هیچ راه بهیچ رو حالت منتظره باقی نمانده همه کامها حسب المرام سرانجام یافت - چندانکه وقوع این امر مسعود و کار عاقبت محمود از رهن تاخیر وقت برآمده معهدا اوضاع افلاک و انظار انجم که بسی قرن و ادوار انتظار درآمد این وقت موعود و عهد معهود داشتند بر طبق مرام و مراد گشته بحركات موافقه و دررات متناسبه ناظر بسوی انواع استسعاد در آمده بودند اقتران این دو فرخنده کوکب سعید در برج مقارنت جاوید بساعتی مختار در کمال نیک اختری که از سایر نحوس و نقایص بری و سعود کواکب مسعودش بجان مشتری بود سمت وقوع یافت - و بسط مقال در تفصیل اجمال این سانحه سعادت اشتمال آنکه چون صبیحه مکرمه سلطان پرویز مرحوم بخطبه مهین بادشاهزاده سامی نامی سلطان دارا شکوه کامگار نامدار گرامی گشت و مبلغ دو لک روپیه از نقد و جنس برسم ساچق چنانچه در سوانح سابق گذارش پذیرفته ارسال یافت -

دریندولا که وقت زفاف نزدیک شده بود مبلغ شانزده لک روپیه بموجب  
تفصیل ذیل در مصارف سرانجام رسامان کدخدائی بادشاهزاده زمین  
و زمان صرف شد - و از جمله این اسباب و اثاث که تصور مراتب آن  
بچندین مرتبه بالا تر از مراتب خود است بعضی بکار فرمائی مهین  
بافوی آداب دان مشکوی خلافت فواب غفران مآب مهد علیا شده -  
و باقی بعد از آن که صدور قصور رضوان به محفل پیرائی آن همفشین  
حور عین آرایش پذیرگشت بذابر فرمایش بادشاهزاده عالم و عالمیان  
بیگم صاحب که اکنون مسند آرائی محفل همایون خلافت بوجود مسعود  
ایشانست زینت تمام پذیرفته بود - مجملی از تفصیل جهاز مذکور برین  
دستور است - زیور و اقسام نوادر جواهر گرانمایه و آلات مرصع نفیس  
موازی هفت لک و پنجاه هزار روپیه - اسباب پیشکش بندگان آنحضرت  
اعلی یک لک و پنجاه هزار روپیه - از آنجمله حوضه فیل از طلای ناب  
با چتری مسلسل مروارید که مبلغ هفتاد و هفت هزار روپیه صرف  
ترتیب آن شده بود - و سوای مبلغ ده هزار روپیه که برای نثار قرار یافته  
یک لک روپیه نقد - و باقی که شش لک و چهل هزار روپیه باشد آلات  
و ادوات زرین میزکار و ساده و ظروف و ادوات سیمین با چپبرکتها  
و پلنگهای طلا و پیش گیریهای زردوزی که گلهای مرصع نیز بر آن  
دوخته بودند با سایر اسباب و پیرایه حجله در نهایت زیبائی و نفاست  
و هم چنین بساطهای ملون و شامیانهای مخمل زربفت و زردوز  
و سایر اثاث اناث و آلات کارخانجات شاهانه خصوص انواع نفایس  
اقمشه و امتعه هفت کشور و فیل خاصگی با یراق سیمین و پوشش  
مخمل زربفت و ماده فیل و چندین سراسب عربی و عراقی و ترکی  
و کچهی مزین بزین زرین و سیمین و اقسام بهل و رتبه - و یکصد

توره بجهت شاهزاده‌های والا نژاد نامدار و سایر بیگمان و خواتین عصمت آئین و نوین اعظم یمین الدوله از نه طاق پارچه غیر مقطوع تا هفت طاق - و اکثر توره‌های مذکور مشتملبر بعضی از مرصع آلات نیز بود \*

بالجملة بتاریخ روز مهر شانزدهم موافق روز جمعه بیست و چهارم رجب سال هزار و چهل و در هجری مجموع بدایع اسباب مذکوره که به کمال خاطر پسندی و نظر فریبی با نهایت تکلف و تصنع و تزین و تفنن سرانجام یافته بود بتوزک و توره و ترتیب تمام در صحن ایوان چهل ستون خاص و عام که در آنروز زینت افروز حسب الحکم اعلی خلوت زنانه شده بود باشاره مهین بانوی زمین و زمان بهین ملکه کون و مکان بیگم صاحب و کار فرمائی سنی خانم دفعه دفعه از طلوع فجر تا هنگام عصر مرتب گردید. بی تکلف بدیع بساطی غریب در غایت تکلف و زیب فروچیده شد که کار نامه ارزنگ و نگارخانه چین و فرنک بل کارگاه رنگا رنگ سپهر بوقلمون میفانگ در برابر رنگ آمیزیهای آن بزم رنگین و سواد اصل کارخانه صانع صنعت آفرین جز رنگ ریزی خجالت نقش بر روی کار نیآورد - خاصه درین وقت که پرتونور حضور قایم مقام نیر اعظم شهنشاه عالم که حسب الالتماس ملکه عظمی برکت قدوم و فیض مقدم بدین فرخنده انجمن مزین ارزانی داشته بودند زیور دیگر پذیرفته تزئین از سر گرفت - و چون بندگان حضرت بدرت از تماشای آن باز پرداخته اهل مجلس مقدس را مرخص ساختند سایر شاهزاده‌های کرام و امرای عظام و باقی بندهای روی شناس را درین بزم خاص به بارعام نواختند - و از دستوری تفرج آن ابواب تفضیلت و تفریح بر روی روزگار ایشان کشودند - و استسعاد یافتگان سعادت حضور و عده بهشت فردا را آن روز دریافته بتصور

دقایق آن در تصدیق وجود جنت موعود از مرتبه علم الیقین باعلی درجات عین الیقین ترقی نمودند - خصوص و قاص حاجی ایلیچی نذر محمد خان که او نیز باین عنایت خاص اختصاص پذیرفته آنچه فرود آن بهزاران هزار مرتبه فوق مراتب تصور او بود برای العین دید - بالجمله کیفیت مجمل این سوز سرور بنیاد بهجت اساس را آنانکه سعادت حضور نیافته از تفرج آن مسرور نگشته اند از مقیاس کمیت خرچ بیش از قیاس که از اندازه تقدیر و تخمین افزون است استنباط و استخراج می توانند نمود چه در وجوه مخارج و مصارف آذین و تزئین این انجمن فردوس آیین از آغاز تا انجام بهمه وجه سی و دو لک روپیه که صد هزار تومان ایرانی و یک کروڑ و بیست لک خانی تورانی باشد برین موجب خرچ شد - از سرکار خاصه شریفه چهار لک روپیه - از سرکار بادشاهزاده و حرم سلطان پرویز ده لک روپیه - و شانزده لک باقی از سرکار نواب قدسی القاب بیگم صاحب - و در همان روز آن ملکه ملک صفات و انسیه قدسی سمات که آداب حمیده و ملکات پسندیده از والدۀ ماجده خویشتن اکتساب نموده و از آن کریمۀ دودمان مکارم و مفاخر و حکیمۀ نساء اوایل و اواخر قوانین حکمت منزلی بگزیده ترین روشی و شایسته تر آئینی دیده و شنیده بودند مراسم معهوده حسب الارشاد والا بر طبق فرمودۀ حضرت اعلی بطریق ستوده مراعات نموده نخست به یمین الدوله نه دست خلعت فاخره با چارقب زر دوز و خنجر مرصع مرحمت فرمودند - و بسایر اعیان حضرت و ارکان دولت خلعت با چارقب زر دوز و خنجر مرصع و بامرای عظام خلعت با فرجی لطف کردند - و جمیع بندهای روشناس درگاه والا و اصحاب استعداد و ارباب رود و سرود فراخور حال و قدر و مقدار بتشریف خلاع فاخره سعادت اندوز گردیدند \*

روز دیگر مجموع خوانهای مالا مال از نفایس مال و منزل و سایر جزئیات کلیه جهاز و اثاث مذکوره که بآنمایه آراستگی و پیراستگی و طرز بدیع و روش غریب طراز تهیه و ترتیب یافته بود بآنین شایسته با چندی از کدبانوان مشکوی سلطنت بمفرز شاهزاده فرخنده طالع ارسال یافت - و چون نقاب گزین حجاب عصمت جهان بانو بیگم حرم شاهزاده مرحوم سلطان پرویز از بندگان حضرت خواهش آن نمود که جهازی که بجهت صبیغه مرضیه سیر خود تجهیز نموده بدستور مذکور در صحن خاص و عام چیده آنها از پرتو نظر فیض اثر آن سرور زینت پذیر میمنت و برکت سازد - بفاور رعایت جانب آن مستوره دستوری عنایت شد - و همگی آن اسباب را که مستوره مذکور بمدت مدید در منزل سلطان پرویز اندوخته و دیگر نفایس که بعد از آماده نموده بود با جهاز خودش که بندگان حضرت همگی را بدو مرحمت نموده بودند در همان محفل با ترتیب خاص چید - و چون انجمن زنانه بانجام رسید حضرت خلافت مرتبت آخر آفریز بعضی از بندگان درگاه گیتی پناه را که از تفرج مجلس گذشته فرح اندوز نگشته بودند احضار فرمودند و بتماشای آن بساط نظر آفریز بر کام خاطر فیروز ساختند \*

شب پنجشنبه غره شعبان سال حال مراعات مراسم معهوده نموده از جانب مردم عروس خوانهای حنا برسم و آئین مقرر آوردند - چون در آن شب حضرت ظل سبحانی عزلت گزین خلوت صفا و عفت شده شمع انجمن آفریز شبستان قدسیان بودند و محفل مقدس غسل خانه از نور حضور آنحضرت بهره ور نبود - حسب الحکم اشرف آن خدیو اعظم فضای حریم آن حرم مکرم بانعقاد آن بزم خاص اختصاص پذیرفت - و چون بخشیان عظام سایر مقربان بازگاہ قرب منزلت و بندهای روشناس

درگاه آسمان جاه را جا بجا در خور قدر و مقدار هر یک جا دادند -  
و همگنان مرتبه بمرتبه باندازه مراتب که مناسب مذاهب ایشان بود  
جا گرفتند و روی مجلس از نور حضور گلرخان زیور پذیر گشت - از هر سو  
صدای نغمه زیر که از مبداء وقوع واقعه ناگزیر فواب مهد علیا تا آن  
غایت بناله زار مبدل گشته بود بلند شده از صوت هزارستان بصد  
داستان دست برد - و شاهدان نواهای مطرب که از بیم احتساب نهی  
تذفید بخش اوامرو نواهی جناب الهی در حجاب و حجاز پرده ساز  
بصد چادر مستور بودند بمقام پرده دری در آمده در لباس دلبری آغاز  
جلوه گری کردند - ملخص سخن چون انجمن حنابندان بدلکشائی  
تمام منعقد گشت و اهل رود و سرود حسب الصدور امر اعلی مصدر  
انواع اسباب بهجت و سرور آمدند و عود مجمر سوخته و عود رامشگر  
ساخته شد - زهره خنیاگر از پس پنجره دوم منظره سپهر تماشاگر گشت -  
و بهرام و کیوان چون خادمان ترکی و هندی آن والا ایوان عطر مثلث  
ماه بر آتش مهر نهاده از منقل مئمن گردون هشتم مجمره گردان گردیدند -  
کدبانوان آداب شناس بدستور مقرر این کشور رسم حنابندان بظهور  
رسانیده عقده انگشتان همگنان خصوص بنان سیمین تان و فوجوانان  
انجمن را هم رنگ عذاب و لعل خندان پسته دهقان ساختند - و رومالهای  
زرکش که همانا روکش اشعه انوار مهر است بر آن بسته برین سر  
دستبرد نمایان به پنجه آفتاب تابان نمودند - و بعد از فراغ حنابندی  
چون رسم قسمت کمر بندهای زرکاری که برسبیل شگون و فال تحصیل  
فتح و کشایش کار قرار گرفته بظهور پیوست - نخست خوانهای  
لبالب از پان و گل که مدار رنگ و بوی لب و دهان غنچه لبان  
و برودش سمن بران صوی میانست در آن بزم ماه پیکران بمیان آمده -



بعد از رفع آن به بسط سماط انواع شیرینی با ضم انواع خوشبوی پرداختند -  
 و بجهت شگون لذت عمر بردوام و فال طیب عیش مدام درین ضمن  
 سرمایه تطیب دماغ و تطیب مشام خواص و عوام آماده ساختند و عامه  
 مردم از آن نعم خاص بکام دل رسیده بهره ور و زله برگشتند - و باقی آن  
 لیلۃ القدر و تمام روز آنشب به روزی اندوز را بطرب و عشرت گذرانیده بر مراد  
 خاطر فیروز گشتند \*

شب دوم که شب جمعه مبارکه بود حسب الحکم همایون  
 خدیو عالم و مالک رقاب عالمیان بادشاهزاده جهان و جهانیان سلطان شاه  
 شجاع و سلطان اورنگ زیب و سلطان مراد بخش با سایر اعیان دربار  
 سپهر مدار در عین خوشوقتی و شاد کامی به فرخنده منزل سپهر منزلت  
 شاه داماد نو عروس دولت شتافتند - و امرای عظام بوسم تهنیت آن  
 کار خیر پیدشکهای عظیم کشیده به نیت خیریت زبان به مبارکباد کشادند -  
 آنگاه برگ عیش و نشاط ساخته به بسط بساط انبساط پرداختند -  
 و در پایان آن فرخنده روز طرب اندرز اکثر سرافرازان پای تخت خجسته  
 بخت در رکاب سعادت نصاب شاه سوار عرصه سرافرازی پیاده رو برآه نهاده  
 بتوزک شایسته و آئین شاهانه که شاید در نظایر این روز طرب افروز نیز نظیر  
 آن در نظر زمانه در نیامده باشد تا در دولتخانه والا شتافتند - چون شاهزاده  
 جوان بخت بلند اقبال محفوف جاه و جلال ببارگاه خاص و عام در آمده  
 از فوز شرف ملازمت اختصاص یافتند نخست خدیو هفت کشور  
 بر سبیل اظهار عنایت تمام عقدی تام انتظام مشتمل بر لالی شاهوار که به  
 تسبیح اشتهار دارد و منتظم از چندین قطعه لعل درخشان بدخشان نژاد  
 که چهل هزار روپیه ارزش داشت بدست مبارک زیور گردن آن سرافراز  
 نموده برین سر آن درة التاج تارک سروری را بلند قدر ساختند - و هم

بدست اقدس سهره سروراید گرانمایه بر سر فرخنده فر آن فروغ گوهر اکلیل  
 والا گوهری بستند - آنگاه شمشیر مرصع با پرده قیمتی و فیل خاصی به  
 یراق سیمین و پوشش محمل زربفت و ماده فیل و دوسر اسپ مرصع تگ  
 بادپای که زمین و لگام یکی مرصع و دیگری زمین بود مرحمت فرمودند -  
 چون شاهزاده والا گهر از ادای آداب معهود باز پرداختند نخست بندگان  
 حضرت یمین الدوله را به تشریف خلعت خاص با چاقب زردوزی  
 مشرف ساختند - بعد از آن سایر ارکان دولت و امرای عظام و اکثر بندهای  
 روشناس بارگاه سپهر اساس بخلعت‌های فاخره افتخار اندوزی نمودند -  
 و از ایشان گذشته سایر اهل نشاط بمرحمت سروپای قیمتی بر کام خاطر  
 فیروزی یافتند - بالجمله در آن فرخنده شب که زمین و زمان را بسبب  
 فرط فرح و طرب دو لب از خنده فراهم نمی آمد - و عموم رسوم خرمی  
 و شادکامی و وفور انبساط قلب و انشراح صدر بجای رسیده بود که بساط  
 شگفتگی و سرور تا صبح روز نشور احتمال طی شدن نداشت - اسباب  
 عیش و سامان نشاط بحسب فرمان همایون از سرحد حساب بیرون و از  
 قیاس شمار افزون مهیا و آماده گشت - و از فروغ شمع و چراغ و فانوس  
 و مشعل زمین و سیمین در و بام دولت خانه والا بل روی زمین بنحوی  
 روشن گشته روکش پرتو کواکب و رشک فرمای انوار مهر انور شده بود که  
 زمین و زمان را گمان آن می شد که در آن روز بازار عیش و عشرت افروز و انجمن  
 سور و سرور آموز همانا رونق چراغان نوروز گیتی افروز است - و همدین  
 هنگام از یک سو مقتضای وقت صلی خوشوقتی و شادکامی در داده  
 صدای شادیانه شادی و نوای گورکه مبارکبادی شنش جهت و هفت  
 کشور را فرو گرفته بود - و بزرگ و کوچک بصدد طرب پردازی در آمده  
 از نشاط اندوزی آهنگ طرح تفریح اندازی داشتند - و در این بزم زینت

طراز زیور پیرا که زمین و آسمان را فرط انبساط و اهتزاز از جا در آورده  
 و سرگرمی تماشای آن هوش از نظارگیان برده بود از دیگر سو هنگامه  
 مسرت و ابتهاج از کثرت آلات آتشبازی مثل تیر هوائی و گل افشان  
 و ماهتابی و امثال آن گرمی پذیرفت - و از بساط بسیط آب و خاک  
 گرفته تا فضای محیط افلاک همه جا را همانا بتاب خود فرو گرفت -  
 چنانچه سر تا سر روی هوا از سرالوان شعلهای رنگ آمیز پرقوس قزح  
 و شهب ذو ذوابه و ذو ذذب می نمود بلکه از فرط دود و شراره آسمانی  
 دیگر پرستاره بنظر ارباب نظاره در می آمد - ملخص سخن در آن فرخنده  
 طوی بدیع آئین که آذین محفل خاص بگزیده ترین صوتی با پیرایه  
 زیب روی نمود و به بهین روشی غریب و زینتی بی نظیر نظر فریب پذیرای  
 تزئین و ترتیب گشت - و صفحه روی زمین و در و دیوار و سقف و جدارش  
 از شش جهت چون بیاض عارض گلرخان هرهفت کرده بزبور پیرایهای  
 ملون مزین شد - و فضای روی زمینش که به بسط بساطهای با صفا همانا  
 روکش آئینه مصفا شده بود از عکس مسلسل سروارید و شامیانهای مکمل  
 بگلهای مرصع معائنه چون صحن خلوت خانه صدف همه جا بفرش گوهر  
 مفروش گردید - چنانچه مردم دیده تفرجیان در موج خیز جواهر آبدار  
 و طوفان آب لآبی شاهوارش بعینه مانند آدم آبی به شناوری تماشاگری  
 می نمودند - گلرخان لاله عذار بنفشه صوی و سمن بران سرو قد نسوین  
 بناگوش که همانا گلشن صنع آفریدگار و بوستان قدرت آنحضرت اند  
 مانند سرو بوستان ناز برغم سروستان باغ و بوستان بخرامش در آمده -  
 و چون صد هزار باغ و بهار برخلاف معهود باغ و بهار سرگرم گلگشت  
 گشته دسته دسته سنبل پرتاب مشکبیز از طره دآویز با هزاران سرکشی در  
 پاکشان و سر بسر در رد و بدل دل بیدلان بصد دست آویز پامال کفان

## • ابیات •

مسلسل موی خوبان ختائی      ازیشان عقل در زنجیر خائی  
 هزاران جعد سنبل تاب داده      متاع هوش با سیلاب داده  
 نگه خواب اجل تعبیر کرده      دهان سر مگو تفسیر کرده  
 چون هنگام رونق هنگامه شادمانی      بعموم رسم کامرانی درآمد مطربان  
 هفت کشور یکجا ساز راهزنی هوش و خرد      کوک کرده آهنگ یغمای صبر  
 و تاراج شکیب نمودند - و به تیز دستی      مضرابهای سیراب آب کار نغمه  
 طراز قاراب برده بزور ملاححت ادا      و شیرینی طرز شور انگیز دست زبردستی  
 بارید رامشگر پرویز را چون پرده ساز      از دسته طنبور برچوب بستند - و سایر  
 سرود سرایان هنرمندی نژاد بنواهایی      مخالف عراق در پرده اصوات موافق پرده  
 طاقت بر مست و مستور دریدند \*

چون سامان عیش و عشرت این کار خیر      بسرانجام دلپذیر ساخته  
 و پرداخته شد و ناگزیر وقت همین      انتظار درآمد ساعت مختار  
 انجم شناسان فرس و قرار داد اختر      شماران هزد آن بود که بعد از گذشتن  
 دو پهر و شش گهری زمان مسعودش      بر طبق مقصود در آمد - فیراعظم  
 اوج خلافت که آنزمان در شرفخانه      شاه برج تشریف اشرف داشتند  
 قاضی القضاة قاضی محمد اسلم را      بحضور پرنور طلب فرمودند - و  
 بروفق آئین شرع مطهر در همین      ساعت سعادت اثر عقد نکاح شاهزاده  
 سلیمان زمان به مریم بلقیس مکان      بسته شد - و سلسله ازدواج ابدی  
 و پیوند سرمدی این برجیس خصایل      بآن زهره شمایل بهم پیوسته  
 گشت - در آن حالت ذره تا خورشید      ادای مراسم تهفیت بصدق نیت  
 نمودند - و ماه تا ماهی با زبان      بی زبانی و لسان حال از روی حسن  
 فال زبان به مبارکبادی کشودند -      نویذبان دولت گورکه شادی را سوی

پنج نوبت مقرر برسم شادمانه مبارکبادی مکرر نوازش دادند - و آوازها  
 دبدبگ رفعت بلند ساخته بچهار حد ربع مسکون رسانیدند - مجمل از روز  
 جمعه برکت اندوز تا قریب دو هفته روز بروز مراتب ظهور و بروز عیش  
 و عشرت این جشن فرخنده و طوی همایون چون حسن روز افزون ماه  
 منیر افزایش پذیر بود - در عرض این ایام خدیو عالم بر سرکام بخششی  
 عالمی در عین کامرانی بوده جهانی مقضی المرام شده و آرزوهای شاخ  
 در شاخ و املهای فراخ ارباب طول امانی و آمال بروج احسن بانجاح  
 مقرون گردید - و معنی سنجان سخفوز در باب تهنیت قصاید غرا بسلك  
 نظم انتظام دادند - و از وفور صلهای گرانمند پراگندگی سلسله نظام  
 احوال شان بجمیعت جاوید گرائید - از جمله سخن پردازان طالبای کلیم  
 تاریخ این زفاف در ضمن این ابیات یافته بجایزه کلی فایز گردید \*

\* ابیات \*

ازین دلکشا جشن وافر سرور	همه عید شد سر بسر ماه و سال
زمانرا گرفت امتداد فرح	چو تازی که پنهان شود در لال
دو سعد اختر برج شاهنشهی	به برج شرف یافتند اتصال
ز آمیزش زهره و مشتیری	سعادت گرفتست اوج که-ال
خرد بهر تاریخ این سوز گفت	قران کرده سعدین برج جلال

امید که این اقتران خاص که در حقیقت آثار آن باعث قوام احوال  
 و اوضاع خواص و عوام بل سبب استقامت مزاج عالم مجاز و استحکام  
 قواعد بنیان طبایع و ارکان کون و مکانست تا قیام قیامت قرین استقامت  
 و مقرون باستدامت باد \*

بیست و نهم بهمن پرتو توجه والی مهبط انوار الهی اعظمی  
 حضرت خلافت پناهی حسب التماس بلند اختر اوج اقبال مهین  
 شاهزاده والا گهر و وصول آن ملتمس بذروه قبول حضرت اقدس برسمت  
 فرخنده منزل شاهزاده بخت مند مبدول افتاد - و سایر سرداران  
 پای تخت از شاهزاده‌های عظام کامگار تا بندهای روشناس در رکاب برکت  
 انتساب پیاده رو برای نهاده درین ضمن از اکتساب انواع سعادت تامه  
 به بهره فیض شامل و نصیبه نصاب کامل رسیدند - آن قاعده‌دان  
 آداب شناس از راه سپاس این مکرمات والا از ساحت کویس سپهر اسانس  
 دولت خانه معلی تا سعادت سرای خویش که بنابر قرب جوار مساحت  
 آن مسافت هفده جریب بیش نبود بطریق پاندا از نفایس امتعه  
 از دست زربفت و مخمل ساده فرش ساختند - و چون سرزمین آن  
 منزل فیض حائل از فوز برکت قدوم سعادت لزوم و ادراک میامن  
 مقدم مکرم خدیو اعظم تارک رفعت بذروه افلاک رسانید - شاهزاده عالم  
 نخست بتقدیم رسم نثار پرداخته آنگاه بکشیدن پیشکش لایق از اقسام نوادر  
 هر دیار که از آنجمله یکسراسر مصر نواد عراقی زاد نامور به سرافراز  
 بود با ساز مرصع که مدتها با سرکاری و توجه تمام در کارخانه خاصه خود  
 بقصد پیشکش آنحضرت سمت اتمام داده بودند اقدام نمودند - و همدین  
 انجمن والا سایر امرا از سرکار بادشاهزاده بنابر اشاره علیه حضرت خلافت  
 مرتبت بتفاوت درجات مراتب بدین موجب از تشریف خلعت شرف  
 استسعاد خاص پذیرفتند - نخست یمین الدوله آصف خان بمرحمت  
 دو تقوز پارچه درست و شمشیر مرصع آنگاه علامی افضل خان با سه تن  
 از عمدهای دولت بعنایت سروپای فاخره با چارقب زر دوزی و چندی  
 دیگر از امرای نامدار بمرحمت خلعت با فرجی سرافراز گشتند - و یاقی

بفندهای روشناس خلعت یافتند - و همگنان نخست در خدمت اشرف ادای آداب معهوده نموده بعد از آن تسلیم عنایت بشاهزاده والا مقام بجا آوردند \*

## ارسال نامه و رسول از درگاه گیتی پناه نزد نذر محمد خان والی بلخ در جواب معذرت نامه که مصحوب و قاص حاجی ایلچی خود فرستاده و مجملی از سوانح دولت ابد قرین

ایزد تعالی عنان اختیار سلطنت کبری و خلافت عظمی را به سروری ادب پرورد خردور حواله نماید که در جمیع اوقات و احوال خاصه هنگام سلطان قوه قاهره غضبی مالک نفس خود تواند گشت - و بر قهر و غلبه مقتضیات طبع انسانی و ملایمات قوای نفسانی سیما در وقت تغلب و تسلط نفس اماره قادر تواند شد - خصوص در حالتی که باز داشت نفس در مقام فرو گذاشت انتقام از ملوک عظام اتفاق افتد که درینصورت مفسده کینه گذاری بیشتر روی نماید - **لله الحمد** که حضرت جهانبانی بندجوی در سایر این ابواب خاصه در باب بخشش جرایم ارباب جنایات صاحب ملکه واسخه اند که تلخی فرو گذاشت با آنمایه موارث در کام عفو آنحضرت از چاشنی شهد انتقام لذید تر می نماید - و شاهد حال درین مقام انماض عین بنندگان حضرت سلیمان مکانست از مراتب خیره نظری و چیره دستی نذر محمد خان والی بلخ درباره محاصره حصار

کابل و تورکناز اوزبکان تنگ چشم یغماگر در حوالی آن و قبول معاذیر دلیپذیر نذر محمد خان - چه آنحضرت همواره در فروگذاشت سایر زلات بهانه جوی بوده برای توسل عفو و صفا و وسیله طلب می کردند و باوجود کمال قدرت بمقام انتقام درنیامده همواره گناهکاران را طرز عذرخواهی تلقین می فرمایند - چون نذر محمد خان وقاص حاجی نام رسولی را با نامه عذر آمیز بدرگاه والا ارسال داشته بود لاجرم درین صورت جرم او را بضرورت بررو نیاروده درینوقت که رخصت انصراف بار می دادند از روی کمال عنایت بجهت آرمیدن خاطر او تربیت خان را که از خانه زادان دیرین دودمان دولت جاوید قرین است بجهت تقدیم این امر برگزیدند و از اصل و اضافه بمنصب هزاری هشتصد سوار اعتبارش افزوده سرمایه افتخار ابدی بدستش دادند - و عنایت خلعت فاخره و اسپ و فیل ضمیمه این عاطفت عمیمه گردیده وقاص حاجی را نیز با رخصت دادند و مراسله والا که از انشاء علامی افضل خان بود مشتمل بر فتوحات بی اندازه و تنبیه و تادیب نظام الملک و عادلخان و استیصال خانجهان بایلچی مذکور حواله فرمودند \*

باقر خان بعد از تغییر صوبه اودیسه بصاحب صوبگی ولایت گجرات از تغییر اسلام خان کامروا شد - و بعنایت خلعت و اسپ و فیل بمنصب چهار هزاره ذات و سوار نصف دو اسپه سه اسپه سربلندی یافته روانه گردید - و خدمت میرتوزکی که کمال معامله فهمی و کردانی درکار دارد و در انصرام آن مرتبه سنجی و پایه شناسی ناچار است - و خلیل الله خان بنابر فرط شدت و حدت طبع که وجود آن علت عدم مرضیات همگنانست موافق مرضی خاطر اشرف سر نکرده بود - از تغییر او بصورتخان ترکمان مرحمت فرموده بخطاب مرشد قلی خان سرافراز فرمودند \*



قران فرخنده کوکب سعادت قرین برج

صاحبقران اعنی شاهزاده محمد شجاع

با نبیره شرف خانه کرامت جاودانی

یعنی کریمه سلسله صفیه صفویه

و انعقاد انجمن عقد ازدواج

شرعی میانه این دو یگانه

گوهر عقد یکتائی

اسباب بذل جهد طبقه ملوک در باب سلوک طریقه تکثیر و توفیر  
 اولاد امجاد و احفاد والا نژاد و دواعی صرف مساعی جمیله ایشان در  
 باب افتاح نسل جلیل و نشو و نما و فروع اصل اصیل دوحه وجود خود از آن  
 نمایان تر است که به بیان نیازمند باشد - و چون تحریض عقل و شرع  
 در باره تزویج احاد ناس بمرتبه کمال باشد در باب توالد و تفاسل ملوک  
 و سلاطین خود بوجه اولی - چه معنی آن باعث اتحاد فرد فرد اشخاص  
 و احاد ناس و این موجب استقامت مزاج و هاج زبده طبایع و ارکان  
 بل علت بقای این نوع عالی مکان یعنی حضرت انسان که فی الحقیقت  
 واسطه تکوین تمامی کائنات و ظل ظلیل خورشید ذات حضرت رب الارض  
 و السموات است - بذکر این مقدمه مسلمه حکمت آئین خدیو زمان  
 و زمین که پیوسته خیر و صلاح دنیا و دین و امن و آمان بلاد درپیش  
 دارند بخاطر مبارک آوردند که شاهزاده جوان بغضت شاه شجاع  
 را با حجله آرای طوی زفاف و مسند پیرای شبستان عصمت و عفاف

حرم محترم آن والا فرژاد که سابقاً فام برده و زبان زد شده بود درین زودی داماد سازند - و چون میعاد قدوم برکت لزوم موکب سعادت ماه مبارک رمضان سمت قرب مدت داشت و نکاح و زفاف بحسب تعارف بین العیدین ممنوع است - لاجرم بندگان حضرت بذابیر آنکه وقوع این کار خیر بحیز تعویق و تاخیر نیفتد اخترشماران سطرلاب نظر بطلیموس نظیر را در اختیار ساعت مختار قبل از ورود مسعود عید فطر سعید باشاره والا سعادت پذیر ساختند - ایشان بعرض اعلی رسانیدند که در عرض این مدت تا هنگام استهلال هلال شوال بل تا سال دیگر ساعتی بفرخ فالی و سعادت ساعات شب جمعه بیست و سیوم شهر عظمت بهر شعبان سنه هزار و چهل و دو هجری موافق چهاردهم اسفندار که آن نیز میانه است بنظر نمی آید - بذابیر آنکه تعویق این معنی منظور نظر و مرضی خاطر عاظر نبود توسط ساعت مذکور را منظور نظر مبارک نداشته باوجود عدم انطباق ساعت معهود بر طریق مقصود بکارگیری اقبال صاحبقرانی که از نیروی تائید ربانی دفع گرانیهای قران اختران میکند اعتماد نمودند - سامان پردازان کارخانجات دولت ابد طراز را در ساعت بسرانجام در بیست وقت مامور فرمودند - با آنکه میان این دو فرخنده طوی زیاده از بیست و دو روز میانه نبود فرمان پردازان بر طبق امر گیتی مطاع خدیو زمانه عمل نموده در اندک فرصتی از پرداخت مایحتاج این خجسته ازدواج باز پرداختند - و ازینمعنی ماده حیرت اهل خبرت و تبصره ارباب بصیرت آماده گشته سرمایه آگهی آنانکه از کماهی حقیقت و فسحت دستگاہ این دولت بی پایان اطلاع ندارند اندوخته آمد - و مزیت کیفیت و کمیت قدر و مقدار جاه و حشمت این سعادت کده دولت خدا داد نسبت بدول صاحب دولتان سایر هفت کشور که مافند

خانه خدای شطرنج از شاهي جز نامی ندارند به تعمیق اندیشه غور پیشه  
رفته رفته مانند تضاعیف بیوت آن عرصه سمت تضاعف پذیرفت - بالجمله  
روز نهم شعبان مذکور موازی یک لک و پنجاه هزار روپیه از زر نقد و نوادر  
و جواهر و نفایس اجناس دیگر برسم ساچق با توره و آئینی که در طوی  
سابق سمت نگارش یافت مصحوب صادق خان میر بخشبی و میر جمله  
میر سامان و موسویخان صدر الصدور بمنزل خلف الصدق خانواده مرتضوی  
رستم میرزا صفوی مرسل گشت - و چون هنگام انعقاد محفل زفاف  
فرخنده نزدیک رسید شب پنجشنبه بیست و دوم ماه عظمت پناه  
شعبان که بذاب رسم معهود شب حنا بندان بود از منزل میرزا مشار الیه  
خوانهای حنا با ساز و برگ آن بآئینی که سزاوار این دودمان خلافت  
و جلالت و در خور آن خاندان نجابت و اصالت باشد مشمول کوبه  
عزت و مصحوب دبدبه رفعت آوردند - و باقی رسوم متعارفه مثل چراغان  
و آتشبازی و امثال اینها از جاذب ایشان بظهور آمد - و ساحت غسلخانه  
مقدس که حسب الامر اقدس بجهت انعقاد انجمن حنا بندی مقرر  
گشته بود بحضور یمین الدوله و سایر امراء نامدار زینت آمود شد -  
و بدستور محفل پر نور طوی مذکور رعایت همگی رسوم مقرر از بستن  
حنا و تقسیم فوطهای زرباف و وضع خوانهای گل و بان و شیرینی  
و خوشبوی بشایستگی تمام وقوع یافت - و ساز انواع نشاط و طرب از رود  
و سرود و سماع نازنین شاهدان هندی نژاد که لازمه انجمن سوز و سرور است  
بعالم شهود روی نموده نظاره آن زنگ اندوده دیرینه از آئینه خاطر تفرجیان  
زدود - چون سر انجام این مراتب که سرمایه تفریح و تنشیط قلوب و ماده  
ترتیب اسباب فراغ خاطر و تطیب دماغ است بظهور پیوست - عالمی  
بدین دست آویز از بند غم و عقده الم پیوند گرفتاری گسسته بامید

خوشحالیی سرمد و فارغ بالی ابد عقد بیعت جاوید بستند - و روز دیگر بکار فرمائی نواب خورشید احتجاب ملکه جهان بیگم صاحب جهاز و اسباب دامادی برادر نوشته محضر فرخنده سیر که از همه جهات موازی ده لک روپیه می شد و اکثر وجوه مصارف آنرا از سرکار خامه خود آماده ساخته بودند مگر قلیلی از آن که بسرکار نواب غفران مآب مهد علیا مهیا شده بود در صحن بارگاه چهل ستون خاص و عام بعد از تحصیل دستوری خلوت آن موطن صفا و صفوت بر طبق دستوری طوی سابق به ترتیب خاص مرتب گشت - بندگان حضرت خلافت مکن بذابر اجابت ملتمس فرورغ اختر عفت پرتو چراغ عصمت سایه حضور پر نور بر ساحت این مجلس مقدس گسترده آن گوهرین بساط منور بل آسمان پر اختر را از برکت قدم اقدس و میامن انوار نظر انور زبور صفا و ضیای دیگر بخشیدند - هرچند این جهاز بحسب کمیت از اسباب و اثاث طوی سابق کمتر بود لیکن قطع نظر از تکلف سخن سازی بذابر کیفیت و حسن وضع و ترتیب بسط از فیض نظر توجه آنحضرت و لطف اشاره قره العین اعیان خلافت جاودان بیش در بیش بود - چنانچه درباره این توان گفت \*

### نقاش نقاش ثانی بهتر کشد ز اول

بی تکلف نگار خانه بی نظیر تصویر پذیر شده بود که بلا تشبیه حقایق صور معانی نگار در و دیوارش از آراستگی بدایع محسنات چون معانی سور و آیات کلام صورت نگار حقیقی که بالذات بمحسنات چون معانی صور بدیعه آرایش پذیرفته از آرایش نقایص و شوایب عیوب مبرا بود - و فی الواقعه نگارین انجمنی زینت آرا گشت که از صدر گرفته تا صف فعال باوجود کمال تکلف و تصنع در تزئین آن بنهجی بی تکلف آمده بود که بعینه مانند ارکان و صدور ابیات آمده که صنایع بدایع آن درای تصنیعات بدیعه

است - و از حسن مستعار استعارات و تشبیهات استغنا دارد و از تعریف و توصیف مستغنی بود - مجملا بعد از استیفای حظ تفرج تام که ادای حق مقام بجا آورد نخست پرستاران محفل معلی رخصت یافته آنگاه امر اعلی باحضار خواص بندهای درگاه والا زیور اصدار پذیرفت - و چون همگنان بفیض سعادت حضور پرنور فایز شدند حسب الاستصواب بندگان حضرت سایر بندهای والا از ارکان دولت و اعیان حضرت تا خدمه خدمات حضور از سرکار نواب قدسی القاب مهین بانوی روزگار بیگم صاحب به تفاوت درجات مراتب خلعت های فاخره یافته از دریافت کام خاطر کامگار و مسرور گشتند - و نظارگیان بعد از ملاحظه آن بساط قطع نظر از اغراق و اطراد در توصیف و تعریف آن از روی استبعاد به تهیه برگ و ساز این دو طوی عظیم در پایه کم و کیف عدد و عدت درینمایه کمی فرصت و نزدیکی مدت انگشت اعجاب و اغراب را وقف دندان تعحیر و تعجب ساختند - چون انجمن تماشا انجام یافت تمامی آن اسباب و اثاث ملوکانه بفرخنده منزل بادشاهزاده عالمیان که در آن احیان فیض نزول خجسته بر منازل ایام بادشاهزادگی خدیو روزگار که بر کفار رودبار چون واقع است مبدول داشتند بآنین شایسته مرسل گشت - و پایان آنروز طرب افروز همایون محفل خاص و عام بنور حضور خدیو روزگار منور شد و خواص و عوام در آن بزم خاص بار یافتند - و اهل رود و سرود بواسطت کردن ساز و برگ عیش و عشرت پرداخته سامان نشاط و انبساط بر طبق مقتضای مقام مهیا ساختند - و هنگام نماز شام که مشرق شرف خانه شاه برج جاه و جلال از نور حضور نیر اعظم اوج عظمت و اقبال رشک فرمای آشیانه عنقایی مغرب قاف اشراق گشت - حسب الامر اعلی شاهزادهای والا قدر سلطان اورنگ زیب و سلطان مراد بخش با یمین الدوله و سایر امرای

فامور بمنزل آن شاهزاده بلند اختر شتافته همراه آن شاه داماد عروس  
 بخت و اقبال از راه کنار دریا سعادت اندوز ملازمت والا شدند - و آن  
 شب نور افروز همه جا در عرض راه و سر تا سر عرصه ساحل جون و ساحت  
 پای درشن مراسم چراغان و آتشبازی که عمده مواد بهجت و سرور جشن  
 و سور است بجا آمده بود - چنانچه از پرتو انواع آلات روشنائی مثل  
 چراغ و شمع و مشعله و فانوس نمودار انوار اختر و نور ماه انور مانند  
 شعله گرمک شب تاب فروغ بدروغ داشت - و آلات آتشبازی که بجهت  
 شگون فتح مهمات جا بجا نصب شده خصوص تیر هوائی که کشاد یافته  
 از رفیع آن روی هوا تا چرخ اطلس همه جا پرستاره می شد - و پرواز  
 بلندش وجود نار کربا اثیر در جنب نموده نور آن مانند شراره و شعله  
 خس بی بود می نمود - چون وقت ساعت مختار در رسید اصحاب  
 شرع شریف در خلوت شاه برج مقدس بحضور اشرف پیوند عقد دائمی  
 میان فرخنده کوکب عالم آرامی اوج خلافت و جلالت و زهره زهرای  
 فلک شرافت و اصالت بر وفق شریعت غرا بستند - و عالمی زبان  
 بمبارکباد کشاده باقامت مراسم معهوده و آداب مقرره این مقام داد ادای  
 متعارفات دادند - و خواص و عوام از وظایف خاص نثار و انعام عام خدیو  
 روزگار کام خواطر گرفتند - خاصه ارباب سخن و استعداد قصاید غرا که درباب  
 تهذیب این فرخنده سور انشا نموده بودند در حضور پر نور انشاد نمودند -  
 و اصحاب رود و سرود نوا سنج و غزل سرا شده آوازه حسن آواز و لطف  
 نغمه ساز آریزه گوش نزدیک و دور ساختند - و همگی همه مرادات  
 خاطر رسیده سینه از آرزوهای دیرینه پرداختند - و ثنا طراز بارگاه والای  
 سلیمانی طالبای کلیم همدانی تاریخ این طوی همایون را بدین گونه  
 یافته \*

ای دل از گلشن امید گل عیش بچین  
 روزگار طرب و عشرت جاوید آمد  
 جشن دامادی سلطان جهان شاه شجاع  
 عالم افروز تر از کوکبه عید آمد  
 بهر تاریخ قران کرد رقم کلک کلیم  
 مهد بلقیس بسر منزل جمشید آمد

۱۰۴۲

## بیان جمیع احوال پایان این سال فرخنده فال خصوص رفع بدعتی چند که در کشمیر وقوع پذیرفته بود

دادار گیتی آفرین که بنای عمارات خراب آباد عالم کون و فساد  
 بر اساس عدل و بنیاد داد سلاطین نصفت آئین نهاده و رفع خرابی  
 معموره خاک را بتهیئه مصالح لطف و قهر ایشان منقوط داشته از طبقه  
 والای سلاطین جهانبانی را برگزیده بانی و بادی تشیید مبانی آبادانی  
 بلاد سازد - که پیوسته در پی معموری عالم بوده معماری عدالت را  
 در هر حالت بر سر کار دارد - و در هر صورت که رودد بر شعله نشانی  
 سحاب تفقد و تلطف سرشار گرد کدورتی که از غبار انگیزی ظلم و بدعت  
 جور پیشگان بر صفتکده صدر مظلومان نشسته باشد مرتفع سازد - شاهد حال  
 رفع شایع بدعت های شایعه است از یمن توجه حضرت صاحب قران ثانی

که از جور اندیشهای حکام حرفی در دار الملک کشمیر و مضافات آن  
 پیش رفته بود رفته رفته بمبلغهای کلی رسید - چون درینولا حقیقت  
 آنها از انهای منتهیان صوبه مذکور و عرضداشت ظفر خان صوبه دار  
 آن دیار بعرض مقدس رسید بی توقف فرمان قضا نشان درین  
 باب بنام خان مذکور زیور صدور یافت - که سایر آن ابواب که ثبت  
 دیوان مظالم ظلمه شده از روی دفتر بلکه از صفحه روزگار محو نمایند -  
 و من بعد باین علت سوای آنچه در عهد قدیم مقرر بود هیچ چیز از رعایا  
 نگیرند - تفصیل آن فصول و تشریح آن ابواب مشتمل برین موجب  
 و معنون بدین عنوان است که متصدیان مهمات سرکار عموم اهل شهر  
 خصوص عجزه و مساکین و عجزان سال خورد و خورد سالان بیوه پرورد  
 را بجهت چیدن گل زعفران کار بل بیکار می فرمایند - حکم اقدس  
 صادر شد که دیگر بتکلیف متعرض این جماعت نشده کارگران این شغل  
 ضروری را از سرکار خاصه شریفه مزدوری بدهند - دیگر از عهد پاستان باز  
 معهود بود که بر سر هر خروار شالی دو نیم دام که فلسی است بوزن  
 خاص میگرفتند و درین ایام چهار دام قرار یافته - مقرر شد که چون در عهد  
 دولت ابد پایان بعنوان زکوة و سبیل راهداری که مبلغ های کلی میشود  
 در سایر ممالک محروسه راه گرفت دگر مسدود شده بجهت فروعیات  
 جزوی که در جنب آن اصلا نمودی ندارد مزاحم کسی نشده در اصل  
 چیزی ازین باب بوصول نرسانند - دیگر از هر موضعی بر سر هر چار صد  
 خروار شالی حال حاصل دو سر گوسفند حسب المقرر زمان ماضی  
 میگرفتند - و الحال از تعدی صوبه داران سابق در ازاء قیمت هر گوسفندی  
 شصت و شش دام که موازی بهای سه گوسفند است نقدی از رعایا  
 باز یافت مینمایند - حکم شد که حسب الصدور امر نفاذ قرین دستو



سابق معمول بوده درین باب دست تطاول من جمیع الوجوه کشیده دارند - دیگر در هر قریه چندین قانون گوی که بهم رسیده اند هر ساله مبلغی کلی بصیغه قانونگویی از رعایا میگیرند و ازین راه زیان بسیار بر رعایا و جاگیر داران می رسد - امر عالی بصدر پیوست که اکثفا بیکی نموده دیگران را دخل فدهند - دیگر از پیر و جوان و خورد و کلان کشتی بانان بعدوان سر شمار هفتاد و پنج دام صیغه میر بصری نام نهاده میگیرند - فرمان شد که ازین پس قانون قدیم را دستور العمل ساخته درین باب نیز ابواب بدعت مسدود سازند - و از پیران دوازده دام و از جوانان شصت دام و از خورد سالن سی و شش دام زیاده نه طلبند - و ظفر خان صوبه دار ضعفا و مساکین را از بند تکالیف شافه دوام مطالبات بیحساب آزاد ساخته سواد فرمان قضا نشان بر لوحی از سنگ نقش نموده در مسجد جامع نصب سازد - امید که بنای بقای آن حضرت چون پایه بنیان عدل و احسان پایدار بوده اساس قواعد و قوانین معدلت آئین آن ثانی صاحبقران سعادت قرین تا دوام دوران چرخ برین مانند بنیاد دین و داد استوار و برقرار باشد \*

درینولا لشکر خان صوبه دار دهلی که هجوم افواج عساکر شیب دار الملک بدن او را فرو گرفته ذخایر و بنگاه حواسش بیغما رفته بود - چنانچه اشتغال ضروری بدن از دست عمه قوی و کارکنان جوارح و اعضای او کماینبغی بر نمی آمد - چه جای آن که خود بخود نگاهبانی کشوری یا سرداری لشکر را مرضی خاطر عاظر خدیو هفت کشور تواند کرد - لاجرم حضرت بادشاه حقایق آگاه که گذارش حقوق وفاداران جانسپار خاصه ارباب سوابق خدمات دیرین آیتی ست در شان آن حضرت بحکم آنکه تصدی امثال این خدمات که ترددات شافه و حرکات